

بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر رشد نقدینگی در ایران

چکیده:

یکی از مشکلاتی که اقتصاد ایران در چند دهه اخیر با آن رو به رو بوده است، نرخ رشد نقدینگی بالا در کشور است که عوارض بسیاری را برای اقتصاد ایران به همراه داشته است. پژوهش حاضر به دنبال بررسی و تحلیل تجربی نقدینگی بالا در ایران و یافتن مؤلفه‌های اصلی آن با استفاده از مدل خودرگرسیون برداری و مدل تصحیح خطای برداری است. در این مقاله از آزمون همگرایی یوهانسون جوسیلیوس، با استفاده از داده‌های سری زمانی ۱۳۵۹-۱۳۹۱، به منظور برآورد رابطه تعادلی بلندمدت استفاده شده است. نتایج به دست آمده از پژوهش حاکی از آن است که، در کوتاه‌مدت نرخ بیکاری بیشترین تأثیر را بر نرخ رشد نقدینگی دارا می‌باشد اما در بلندمدت طبق رویکرد هم‌انباشتگی، تولید ناخالص داخلی و نرخ بیکاری به ترتیب بیشترین تأثیر را بر نرخ رشد نقدینگی دارند.

۱- مقدمه

تلاش برای تحلیل و فهم عوامل تعیین‌کننده رشد نقدینگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که عوامل مزبور به یک یا چند طریق، زندگی و رفاه همه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به همین دلیل است که این موضوعات مورد توجه مداوم رسانه‌ها هستند و نقش مهمی در مناظرات سیاسی دارند. وجود این تصور در کشور و به خصوص در دولت که مشکلات اقتصادی کشور همچون تورم، بیکاری و غیره را می‌توان با استفاده از اعتبارات و فشار به شبکه بانکی کشور حل نمود، از جمله عوامل مؤثر در رشد نقدینگی بوده است و مشکلاتی را برای شبکه بانکی ایجاد کرده است.

۲- مبانی نظری پژوهش

دیدگاه‌های مختلفی در خصوص تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی همچون بیکاری، کسری بودجه، تورم و تولید ناخالص داخلی بر رشد نقدینگی وجود دارد که از جمله آن می‌توان به دیدگاه کلاسیک‌ها، طرفداران مکتب چرخه‌های تجاری، نئوکلاسیک‌ها، طرفداران مکتب بروات حقیقی و دیدگاه فریدمن اشاره کرد. به عنوان مثال نئوکلاسیک‌ها معتقد بودند که در اثر کاهش قیمت‌های داخلی، صادرات کشور افزایش می‌یابد و این امر موجب افزایش توان وام‌دهی بانک‌های داخلی می‌شود و در نتیجه عرضه پول در جامعه افزایش پیدا می‌کند. از طرفی طرفداران مکتب چرخه‌های تجاری معتقدند که پول در اقتصاد منفعل است و بعد از این که تولید ناخالص ملی به دلیل شوک‌های تکنولوژی یا تصمیمات بین دوره‌ای کارگران تغییر کند، پول به صورت منفعل از تغییرات حقیقی مذکور دنباله‌روی می‌کند (شاکری، ۱۳۸۷: ۸۲۴). به عبارتی اقتصاددانان مکتب دوره تجاری همبستگی مثبت بین پول و تولید را قبول دارند، اما معتقدند که این تولید است که پول را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

همچنین فریدمن به رابطه مثبت بین بیکاری و تورم معتقد است. ظهور پدیده تورم سبب رکودی در دهه هفتاد شد که باعث گردید تورم و بیکاری به طور همزمان افزایش یابند همچنین افزایش قیمت نفت در اوایل دهه ۱۹۷۰ موجب بروز همزمان دو پدیده تورم و بیکاری در غرب شد. تورم رکودی یا همزمانی تورم و بیکاری پدیده‌ای است که شیب منفی یا حتی عمودی منحنی فیلیپس را رد کرده و آن را با شیب مثبت ظاهر نمود (مرزبان و نجاتی، ۱۳۸۸).^۱

۳- مروری بر برخی مطالعات خارجی و داخلی

راسل و بنرجی (۲۰۰۸)^۲، بیان کردند بسیاری از بررسی‌ها از خصوصیت ناپایا بودن تورم غفلت می‌کنند، بنابراین، عمودی بودن منحنی فیلیپس بلندمدت را به درستی آزمون نمی‌کنند. آنان با لحاظ کردن خصوصیت ناپایایی تورم به یک رابطه هرچند کوچک، اما مثبت و معنادار بین تورم و بیکاری دست یافته‌اند. افزون بر این، نشان دادند هنگامی که نرخ تورم افزایش می‌یابد، جانشینی بین تورم و بیکاری ضعیف‌تر خواهد شد.

مطالعات فراوانی در خصوص تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر رشد نقدینگی صورت گرفته که از جمله آن‌ها می‌توان به مطالعات شیروانی و ویلبرایت (۱۹۹۴)^۳، کوشتیلی (۲۰۰۲)^۴، لوزانو (۲۰۰۸)^۵، کالاکچ (۲۰۰۹)^۶، راویش و همکاران (۲۰۱۲)^۷، سقائیان‌نژاد و اهرابی (۱۳۷۵)^۸، نوفرستی (۱۳۸۴)^۹، عبداللهی (۱۳۸۷)^{۱۰}، زمان‌زاده (۱۳۹۰)^{۱۱} و محمدی (۱۳۹۲)^{۱۲} اشاره کرد.

۴- بررسی مدل تجربی نقدینگی در ایران

متغیرهای مورد استفاده در برآورد اثرات متغیرهای کلان اقتصادی بر نقدینگی، شامل: Lli لگاریتم نقدینگی، EXR نرخ ارز، P نرخ تورم، LG لگاریتم تولید ناخالص داخلی، UN نرخ بیکاری و KR کسری بودجه می‌باشند. قبل از ارائه تحلیل‌ها، به بررسی روند متغیرهای کلان اقتصادی نقدینگی و نرخ بیکاری برای کشور ایران و در غالب نمودارهای (۱) و (۲) پرداخته خواهد شد.

¹ -Marzban and Nejati, 1388

² - Russell and Banerjee, 2008

³ - Shirvani and wilbratte, 1994

⁴ - Kustepeli 2002

⁵ - Lozano, 2008

⁶ - Kalakech, 2009

⁷ - Khrawish and Hamkaran, 2012

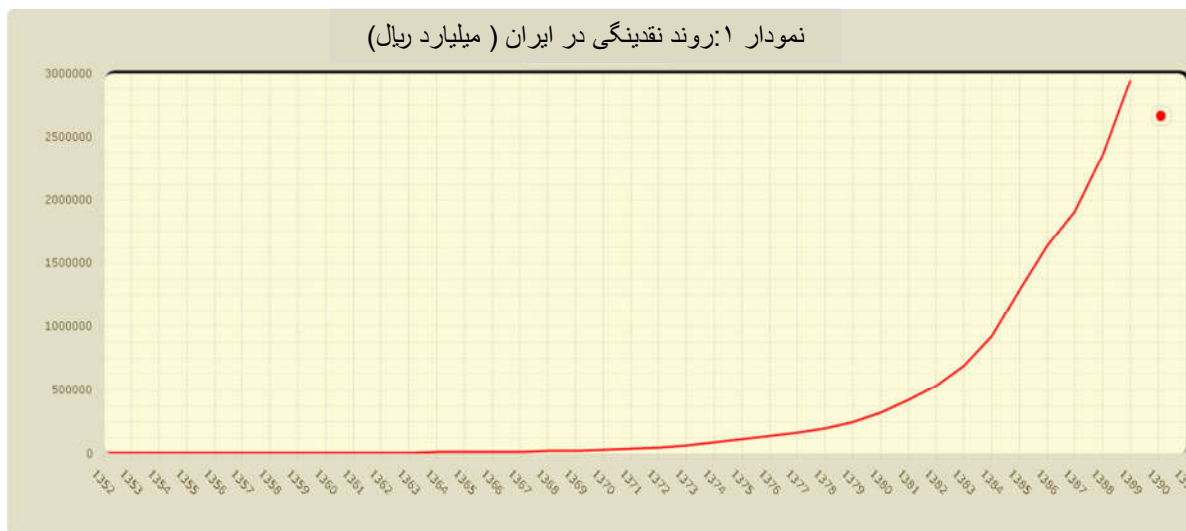
⁸ - Saghaianezhad and Ahrabi, 1375

⁹ - Nowferesti, 1384

¹⁰ - Abdollai, 1387

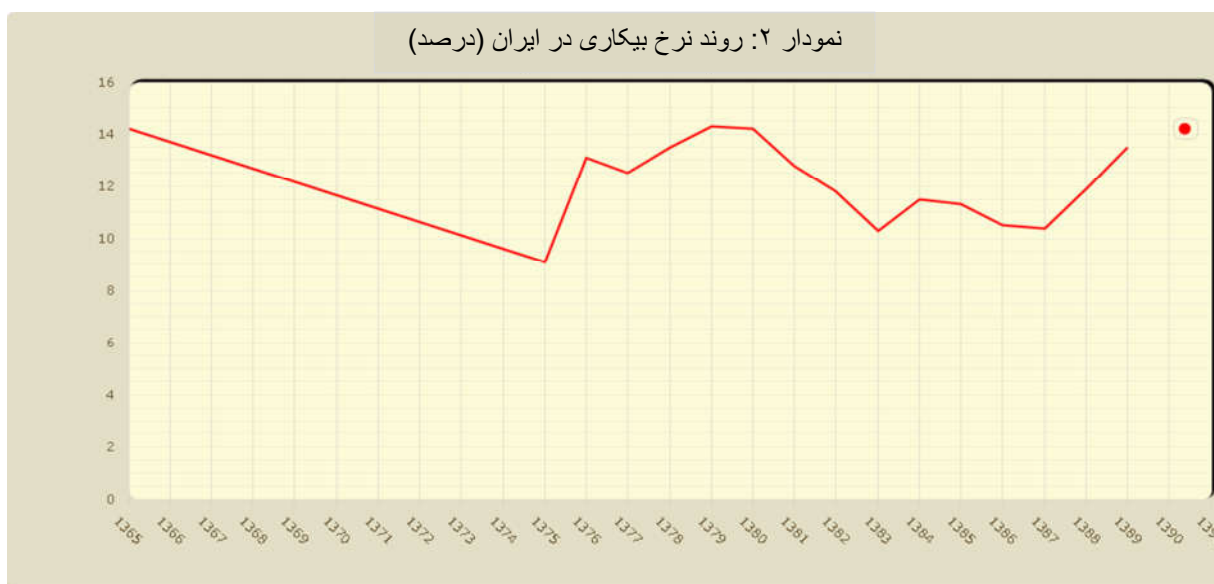
¹¹ - Zamanzadeh, 1390

¹² - Mohammadi, 1392



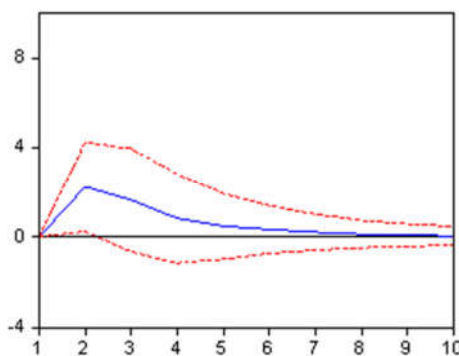
مأخذ: مرکز آمار

همان‌طور که در نمودار (۱) نیز مشاهده می‌شود رشد پول و نقدینگی از حدود دو دهه پیش روندی افزایشی و بی‌ثبات پیدا کرده است. این در حالی است که انضباط و ثبات نقدینگی شرط اصلی ثبات اقتصادی و ثبات متغیرهای کلیدی است. اهمیت انضباط و ثبات نقدینگی به حدی است که در برنامه‌های تعدیل ساختار، هم هدف و هم شاخص ارزیابی و هم ابزار دستیابی به اهداف دیگر قلمداد می‌شود. اما در اقتصاد ایران، نقدینگی حالت لجام گسیخته پیدا کرده و این مسئله خود را تا حد زیادی در تورم‌های بالا و تا حدی نیز در تورم نهفته انعکاس می‌دهد.



مأخذ: مرکز آمار

آمار بیکاران و نرخ بیکاری در هر جامعه، بیانگر میزان گست ساختار اجتماعی و اقتصادی است. امروزه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، بیکاری یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی است و یکی از نامطلوب‌ترین پدیده‌های اجتماعی-اقتصادی که پیامدهای مختلفی را در زمینه‌های مختلف به دنبال دارد. همان‌طور که در نمودار (۲) نیز قابل مشاهده است در دو دهه اخیر در ایران، معضل بیکاری بیش از پیش بر گریبان جامعه چنگ انداخته است. از طرفی در این پژوهش نیز بر طبق مدل خودرگرسیون برداری^۱، اگر شوکی به اندازه یک انحراف معیار به هر یک از متغیرهای اقتصاد کلان وارد شود، متغیر نقدینگی از خود واکنش‌های متفاوتی نشان می‌دهد که از جمله این عکس‌العمل‌ها می‌توان به عکس‌العمل نقدینگی به شوک نرخ بیکاری اشاره کرد.



مأخذ: یافته‌های پژوهش

نمودار ۳: پاسخ نقدینگی به شوک نرخ بیکاری

در نمودار ۳، محور عمودی میزان انحراف از مقادیر اولیه یا $S-S^2$ ، و محور افقی زمان را اندازه‌گیری می‌کند. در این نمودار، اثر شوک نرخ بیکاری به اندازه‌ی یک انحراف معیار بر روی نقدینگی نشان داده شده است. اثر شوک تا دوره هفتم باعث افزایش حجم نقدینگی گشته و در دوره دوم به حداکثر مقدار خود رسیده، و از دوره‌ی هفتم به بعد این اثر خنثی خواهد شد. بنابراین با توجه به اثر شوک‌ها می‌توان بیان کرد که در کوتاه‌مدت نرخ بیکاری بیشترین تأثیر را بر نرخ رشد نقدینگی دارا می‌باشد.

در راستای بررسی و تعیین رابطه تعادلی بلندمدت بین چند متغیر اقتصادی سری زمانی از روش یوهانسون و جوسیلیوس^۳ استفاده می‌شود. رابطه (۱)، رابطه بلندمدت بین متغیرها می‌باشد:

$$L\dot{L}i = 1/21820 UN + 10/5076 LG + 0/883510 P \quad (1)$$

¹ - Vecctor Autoregressive

² - steady-state

³ - Juhansen- Juselius

بنابراین در بلندمدت:

به ازای یک واحد افزایش در نرخ بیکاری (UN)، نرخ رشد نقدینگی تقریباً ۱/۲۲ واحد در بلندمدت افزایش پیدا می‌کند. به بیان دیگر با افزایش نرخ بیکاری در جامعه، دولت مجبور به اعمال یک سری سیاست‌ها برای رفع بیکاری در جامعه می‌شود و این سیاست‌ها، خود موجب افزایش حجم نقدینگی در جامعه می‌شوند.

به ازای یک واحد افزایش در تولید ناخالص داخلی (LG)، نرخ رشد نقدینگی در بلندمدت تقریباً ۱۰/۵ واحد افزایش پیدا می‌کند. طبق قاعده پولی فریدمن نرخ رشد نقدینگی بایستی به اندازه نرخ رشد تولید ناخالص داخلی باشد. بنابراین اگر نرخ رشد اقتصادی مثبت باشد، نرخ رشد نقدینگی نیز مثبت می‌شود. پس علامت نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد نقدینگی مطابق انتظار است.

به ازای یک واحد افزایش در نرخ تورم (P)، نرخ رشد نقدینگی تقریباً ۰/۸۸ واحد افزایش پیدا می‌کند. وقتی که به هر دلیلی تورم در جامعه افزایش پیدا می‌کند، دولت برای خرید کالاها و خدمات داخلی مجبور است حجم بیشتری نقدینگی را در بلندمدت در جامعه وارد کند. می‌توان گفت در بلندمدت بر طبق رویکرد هم‌انباشتگی، تولید ناخالص داخلی و نرخ بیکاری، به ترتیب بیشترین تأثیر را بر نرخ رشد نقدینگی دارند.

به منظور ارتباط دادن روابط تعادلی بلندمدت میان متغیرها با نوسان‌های کوتاه‌مدت، الگوی تصحیح خطای برداری مربوط به رابطه تعادلی حجم نقدینگی و سایر متغیرهای تعیین کننده آن برآورد شده که نتیجه آن در رابطه (۲) مشاهده می‌شود. بنابراین:

$$Lli = -0.212 - 0.582D(UN) + 11.170D(LG) - 0.154D(P) - 0.21ECM \quad (2)$$

همان‌طور که ملاحظه می‌شود ضرایب جملات تصحیح خطا منفی و معنادار هستند و نشان می‌دهند که هرگونه انحراف از تعادل در بلندمدت، دوباره به سمت تعادل بلندمدت حرکت خواهد کرد. یعنی اگر یک شوک در کوتاه‌مدت ایجاد شود در هر دوره ۰/۲۱ اختلاف ناشی از شوک از بین می‌رود.

۵- نتیجه گیری

همان‌طور که اشاره شد در این مطالعه هدف، بررسی علت افزایش رشد نقدینگی در ایران است. بر این اساس به بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر رشد نقدینگی پرداخته شد. نتایج قابل ارائه به شرح ذیل است:

- وقتی که به هر دلیلی تورم در جامعه افزایش پیدا می‌کند، دولت برای خرید کالاها و خدمات داخلی مجبور است حجم بیشتری نقدینگی را به جامعه وارد کند. بنابراین با افزایش تورم، حجم نقدینگی چه در بلندمدت و چه در کوتاه‌مدت، افزایش می‌یابد.

- طبق قاعده پولی فریدمن رشد نقدینگی بایستی به اندازه رشد تولید ناخالص داخلی باشد. بنابراین اگر نرخ رشد اقتصادی مثبت باشد، رشد نقدینگی نیز مثبت خواهد شد. پس علامت نرخ رشد تولید ناخالص داخلی هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت مطابق انتظار است.

- به دلیل عدم استقلال بانک مرکزی، غالباً کسری بودجه دولت از طریق استقراض از سیستم بانکی و افزایش اسکناس و مسکوک و پایه پولی انجام خواهد شد بنابراین رابطه بین کسری بودجه و رشد نقدینگی مثبت است.

- با افزایش نرخ بیکاری در جامعه، دولت مجبور به اعمال یک سری سیاست‌ها برای رفع بیکاری در جامعه خواهد شد و این سیاست‌ها، خود موجب افزایش حجم نقدینگی در جامعه می‌شود.

- با افزایش نرخ ارز، دولت برای خرید کالا و خدمات خارجی (واردات)، مجبور به افزایش حجم نقدینگی در جامعه خواهد شد.

بنابراین در کل می‌توان بیان کرد که در کوتاه‌مدت بر طبق الگوی خودتوضیح برداری و اثر شوک‌ها، نرخ بیکاری بیشترین تأثیر را بر نرخ رشد نقدینگی دارا می‌باشد اما در بلندمدت بر طبق رویکرد هم‌انباشتگی، تولید ناخالص داخلی و نرخ بیکاری، به ترتیب بیشترین تأثیر را بر نرخ رشد نقدینگی داشته‌اند.

منابع:

- زمان زاده، حمید(۱۳۹۰)؛ «**ارزیابی متغیرهای پولی**»، تازه های اقتصاد ، شماره ۱۳۱ (ویژه نامه همایش ۲۱).
- سقائیان نژاد، حسین و مهدی اهرابی (۱۳۷۵)؛ «**بررسی وجود بازخورد بین تورم و کسر بودجه با استفاده از سیستم معادلات همزمان**»، نشریه: جغرافیا و برنامه‌ریزی (نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز)؛ شماره ۴، ص ۵۸-۱۰۰ .
- شاکری، عباس(۱۳۸۷)؛ **نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصاد کلان**، جلد دوم، چاپ نخست، انتشارات پارس نویسا.
- عبدالهی، احمد (۱۳۸۷)؛ «**بررسی و مطالعه دلایل افزایش متغیرهای پولی و حجم نقدینگی طی سال های ۱۳۷۰-۱۳۸۰**»، بانک ملی ایران، شماره ۱۴۵، ص ۱۴.
- محمدی، حسین(۱۳۹۲)؛ «**نقدینگی و چند و چون آن در اقتصاد ایران**»، سیاسی- اقتصادی، شماره ۲۹۳، ص ۱۸۰.
- مرزبان، حسین و نجاتی، مهدی (۱۳۸۸)؛ «**شکست ساختاری در ماندگاری تورم و منحنی فیلیپس در ایران**»، فصلنامه مدلسازی اقتصادی، سال سوم، شماره ۲، ص ۱-۲۶ .
- مرکز آمار ایران (<http://www.amar.org.ir>).
- نوفرستی، محمد (۱۳۸۴)؛ «**بررسی تأثیر سیاست های پولی و ارزی بر اقتصاد ایران در چارچوب یک الگوی اقتصاد سنجی کلان پویا**»، تحقیقات اقتصادی، ۷۰: ۱-۲۹.

- Kustepeli, Yesim. (2002). « the effect of Nominal government deficits on economic growth » Due Islet me Faculties.

- Kalakech, W. S. K., (2009), " The impact of budget deficits on money demand: evidence from Lebanon ", Middle Eastern Economics and Finance, No. 3, PP: 65-76.

- Khrawish, H. A. & Khasawneh, A. Y. & Khrisat, F. A., (2012), " The impact of budget deficit on money demand in Jordan: cointegration and vector error correction analysis ", Journal of Investment Management and Financial Innovations, No. 2, PP: 1-18.
- Lozano· Ignacio. (2008). « budget deficit· money growth and inflation: evidence from the Colombian case »· Orators Economic.
- Russell, B., and A. Banerjee. (2008). The Long-Run Phillips Curve and Nonstationary Inflation. Journal of Macroeconomics, December 2008, v. 30, iss. 4, pp. 1792-1815 .
- Shirvani· Hassan & Barry wilbratte· (1994). « Many and inflation: International evidence Based on cointegration Theory »· International Economic journal.